

کردها یا گروهی از ایرانیان پاك نژاد

حسین شکیبا

بقلم

مجله پشوتن هرا برانی خالص را بشوق و شادی میآورد زیرا گذشته پر افتخار نیاکان و باکان والا تبار او را بهترین راهی باد آوری میکند بر مردم مبین پرست ایرانی است که در نگهداری این کانون درخشان و نور افشان ملی



(لباس زنان سنندج)

کوشش بی پایان از خود نشان دهند و باندازه توانائی خویش روان تابناک گذشتگان را خشنود سازند نگارنده هم برای اینکه خدمت کوچکی باین مجله نموده باشم بر آن شدم که نمونه از زبان و آداب یکدسته از ایرانیان پاك نژاد سکنة کردستان را برای آگاهی و روشنی فکر علاقه مندان بنگارم و بهر اندازه که ممکن باشد در طی عباراتی ساده و مختصر اکراد را بسایر هموطنان شناسانم و طبیعی است که این مقصود در فصولی چند باید برشته نوشتن در آید

نژاد کرد

برای شناختن پاك نژاد فرعی جز از توسل بریشه زبان و عادات و رسوم چاره و راه دیگری را سراغ ندارم زیرا رنگ چهره و قیافه و سایر خصوصیات دیگر ممکن است در نتیجه اختلاط و آمیزش خون از میان برود ولی زبان و آداب و رسوم هر اندازه هم دستخوش حوادث و گذشت زمان گردد باز آثار روشن و گویائی را بدست مردم کنجکاو میدهد و باین دلیل تحقیق در پیرامون نژاد اکراد را در ضمن شرح زبان و آداب و رسوم خواهم نگاشت .

زبان کردی

کسانی که میخواهند زبان کردی را از زبان فارسی جدا سازند به مقصود خود نخواهند رسید زیرا هنوز هم پس از سالهای بسیار لغاتی را که در سایر نقاط ایران فراموش گردیده و ابدا بر زبانها جاری نیست در سرزمین کردستان و دره

های دست نخورده آن از کلمات معمولی گفتگوی مردم و لغاتی است که مادران بزبان کودکان شیرخوار خود میگذارند، بخصوص در اورامان هزاران لغت از زبان پهلوی و پیش از آنرا میتوان پیدا کرد در آنجا هنوز بهار را (وهار) و تابستان را

(هامین) میگویند و در باره نقاط (هاوین) تلفظ مینمایند .
 بیشتر اسامی خاص از قبیل نام کوه ، رودخانه و ده تغییر نیافته است .
 مانند آتشگاه (نام کوهی است) و گاوردنام رودخانه (اصل آن گوارارود بوده)



(لباس زنان سقز و مهاباد)



(لباس کردی اورامان)

و آریان (نام دهی است) در او رامان کرك را (ورك)
 و خور یا خورشید را (وور) میگویند . در آنچه های
 کردی عروس را (بوك) یا (وو) یا (ووی) و
 داماد را (ذاوا) یا (ذما) مینامند و بجای عروسی
 هم (ذماون) بکار میبرند .

خلاصه مطلب این است که آشنائی بزبان کردی
 برده شك و تردید را از پیش چشم مطالعه کنندگان
 برداشته و نشان میدهد که یکدسته و قومی آریان
 و ایرانی نژاد با وجود تحمل سیلهای بنیان کن
 حوادث و وقایع تاریخی ، و آتشیهای جانگداز
 تاخت و تاز اقوام مهاجم ، در نهایت دلاوری و
 بایرداری و فاداری خود را در باره زبان نیاکان
 خود پیش از سایر طوائف وفادار و برقرار مانده

است و جای هیچگونه تردید نیست که این یوسنگی
 و يك رنگی، از هر جیت حقیقی و همیشگی خواهد بود .

لباس زنانه و مردانه کردی در نقاط مختلف موجود بوده است که تمام آنها از زمانهای بسیار قدیم حکایت مینمایند و اصول کلی آنها بر فراخی و مصرف زیاد پارچه و در عین حال زیبایی میباشد، در لباس کردی محلی برای چادر و حجاب منظور نشده است و چنانکه همه میدانند در هیچیک از قبایل و عشایر و دهها از این رسوم شهری یعنی محبوب بودن و سایر مشخصات پیروی نمیگردید.

لباس کردی

اگرچه در این سالهای اخیر بواسطه اتحاد شکل تا اندازه طرز و نوع لباسهای کردی متروک شده و به آن سادگی باقی نمانده است ولی باز جوع بیارنده نقاط کردستان یا به زمان بیست سال قبل روشن می گردد که چندین قسم

لهجه های مختلف فارسی

در زمان هخامنشی و اشکانیان و ساسانیان لهجه های زیادی چون لهجه های مختلف فارسی امروزی وجود داشتند ولی همیشه يك زبان درباری نیز وجود داشت که با آن کتیبه را می نوشتند و بمناسبت خانواده شاهی نامی بر آن می نهادند از جمله زبانی که کتیبه های غیر هخامنشی را با آن نوشته اند زبانیست که اوستا با آن نوشته شده، در زمان اشکانیان زبان رسمی پهلوی شد زیرا که خانواده شاهی به پارسی پهلوی معروف بودند و پس از انقراض اشکانیان نیز زبان رسمی بهمان اسم باقی ماند.

امروز زبان رسمی فارسی است ولی لهجه های مختلف بسیاری رواج دارند چون :

خونساری :

اوسیت

دري: (ذرتشيان مخصوصاً در يزد)

یغنونی (دو کوهستان زرا قشان و حصارم)

تالیننی : (تالین یزد)

نتنزی : (نتنر کاشان)

گزی: (نزدیک اصفهان)

سیوندی:

واخی (دروا خان بامیر)

سمنانی:

موندجی (در بامیر)

سنگری: (لازیگردی)

طالشی:

پشتو (بچند لهجه از جنوب کوه هندوکش تا رود سند گفته میشود)

گیلکی:

اورمیری (در افغانستان که بدو لهجه دیگر تقسیم میشود)

گورانی: کندوله

کردی: (مکری)

زازا: (سورک، چرموق و غیره)

کزاری: (عمان، سندان)

لری: (بختیار)

بلوچی (که بچند لهجه تقسیم میشود)

خوری (بیا بانک در مرکز ایران فعلی)

سوئی (در اصفهان)